

تأثیر سن ازدواج، الگوهای همسرگزینی و تفاوت سنی زوجین بر کیفیت زندگی زناشویی زنان شهر تهران

مریم ولد خانی^۱

عبدالباسط محمود پور^۲

کیومرث فرح بخش^۳

حسین سلیمی بجزستانی^۴

تاریخ پذیرش: ۹۵/۹/۳

تاریخ وصول: ۹۵/۵/۱۴

چکیده

امروزه، با گذر جوامع از مرحله سنتی و جمع‌گرا به مرحله مدرنیته و فردگرا، شاهد افزایش سن ازدواج (و خصوصاً در میان بانوان) و تمایل به همسرگزینی بر اساس انتخاب فردی هستیم. از طرف دیگر، همچنان شاهد افزایش نارضایتی، ناسازگاری، بی‌تعهدی، طلاق و به‌طور کلی؛ کاهش کیفیت زناشویی زوج‌ها هستیم که موجب آسیب به کانون گرم و مقدس خانواده و پیکره اجتماع می‌گردد. این پژوهش باهدف بررسی تأثیر سن ازدواج، تفاوت سنی و سبک‌های همسرگزینی، بر کیفیت زندگی زناشویی زنان متأهل شهر تهران صورت پذیرفت. طرح پژوهش از نوع علی‌مقایسه‌ای می‌باشد. جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر زنان تهرانی‌اند که ۴۰۰ نفر از آن‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس غیر احتمالی و با مراجعه به پارک‌های عمومی در سطح شهر تهران انتخاب شدند و به مقیاس کیفیت زناشویی، فرم تجدیدنظر شده (RDAS) و پرسش‌های مرتبط با الگوهای همسرگزینی و سن ازدواج، پاسخ دادند. از یافته‌های قابل توجه این پژوهش می‌توان به تأثیر منفی ازدواج در سنین نوجوانی و ازدواج بر اساس سبک‌های همسرگزینی‌ای که به نوعی با اجبار همراهند بر کیفیت زندگی زناشویی اشاره کرد. همچنین در این پژوهش نشان داده شد که تفاوت سنی زوجین تأثیر معناداری بر کیفیت زندگی زناشویی ندارد.

واژگان کلیدی: سن ازدواج، تفاوت سنی، الگوهای همسرگزینی، کیفیت زندگی زناشویی.

۱. کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشگاه علامه طباطبائی

۲. کارشناسی ارشد مشاوره توانبخشی دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)

mahmoudpour.counsellor@yahoo.com

۳. دانشیار مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی

۴. دانشیار مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی

مقدمه

ازدواج به عنوان یکی از زیربناهای اصلی ساختمان اجتماع (دولان^۱، ۲۰۱۱) و یکی از قدیمی‌ترین و گرامی‌ترین رسوم، در نظر گرفته می‌شود. ازدواج، به ارتباط اجتماعی، هیجانی و اخلاقی یک مرد و یک زن اشاره دارد و تعهدی است که موجب می‌شود زن و شوهر زندگی، امکانات و آینده خود را باهم ترکیب کنند (بریجمن^۲، ۲۰۰۸).

برای بسیاری از انسان‌ها، ازدواج معنی‌دارترین بخش زندگی است. در واقع، ازدواج موفق، شبیه رسیدن فرد به تمام آرزوهایش می‌باشد (بریجمن، ۲۰۰۸). حتی پژوهش‌های متعددی نشان می‌دهد که ازدواج، تأثیر سودمندی بر سلامت فیزیکی و روانی بر جای می‌گذارد. زیرا که ازدواج، حمایتی عاطفی و اجتماعی برای فرد فراهم می‌آورد که موجب می‌شود فرد در برابر محرک‌های استرس‌زا، انعطاف‌پذیری بیشتری داشته باشد. با وجود این مطالب، سودمندی‌های سلامت روانی و فیزیکی ازدواج تا حد زیادی بستگی به کیفیت زندگی زناشویی دارد (گلدمن و هاچ^۳، ۲۰۰۰).

کیفیت زندگی زناشویی، به ارزیابی کلی فرد از سلامت زناشویی، اشاره دارد که غالباً به‌عنوان یک شاخص از رضایت یا آشفتگی زناشویی، در نظر گرفته می‌شود و نقش اساسی در ارزیابی کیفیت کلی ارتباطات خانوادگی دارد (اسمیت^۴ و دفریتس، ۲۰۰۸؛ یوسفی، ۱۳۹۱). این سازه، یک اصطلاح کلی و یک مفهوم چندبعدی است که از آن تعاریف متعددی در دست است به‌عنوان مثال گوئین (۲۰۰۹) این سازه را به‌عنوان «ارزیابی ذهنی از رابطه» تعریف می‌کند؛ و پژوهشگران دیگر آن را عملکرد و موفقیت یک ازدواج در نظر می‌گیرند (غلامعلیان، احمدی و باغبان، ۱۳۸۷).

کیفیت زناشویی بیشتر، با افسردگی کمتر، سلامت گزارش شده‌ی بهتر، بیماری‌های فیزیکی کمتر و دیگر پیامدهای مثبت در رابطه، همراه است (آلن دورف^۵، ۲۰۱۲). آشفتگی‌های زناشویی می‌تواند نقشی مهم در اختلالات روان‌شناختی داشته باشد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد افراد با کیفیت زندگی زناشویی کمتر، بیشتر از مسائلی نظیر: سلامت عمومی

-
1. Dolan
 2. Brigman
 3. Goldman & Hatch
 4. Smith & DeFrates Allendorf
 5. Allendorf

کمتر، بیماری‌های فیزیکی، مشکلات دندان‌پزشکی، آشفتگی‌های هیجانی و روان‌شناختی، افسردگی، اعتماد به نفس پایین، کمی شادمانی و رضایت از زندگی، سوء مصرف الکل و ... رنج می‌برند (اندرسن^۱، ۲۰۰۷؛ چاتا^۲، ۲۰۰۷؛ راستگو و همکاران، ۱۳۹۳). همچنین، کیفیت زندگی زناشویی از طریق گذرگاه‌های مختلف روان‌شناختی، نظیر: خودکارآمدی ادراک شده، می‌تواند بر جنبه‌های مختلفی از زندگی فرد تأثیر بگذارد (تواری^۳، ۲۰۰۸). ازدواج‌هایی که کیفیت زناشویی بالایی دارند، با فراهم کردن محیط خانه‌ی مثبت برای کودکان، به جامعه منفعت می‌رسانند، زیرا که این خانه‌ها، باعث کاهش انحراف و جرم می‌شود؛ گزارش زن و شوهر از کیفیت زندگی زناشویی‌شان پیش‌بین مناسبی برای ازهم‌پاشیدگی خانواده می‌باشد. پژوهش در رابطه با کیفیت زندگی زناشویی بنیادهای ضروری فراهم می‌کند که ما با استفاده از آن‌ها می‌توانیم برای زوج‌های مشکل‌دار مداخلات درمانی و برنامه‌های آموزشی طراحی کنیم (روشن، علینقی و طاوولی، ۱۳۸۹؛ آماتو، بوث، جانسون و راجرز^۴، ۲۰۰۸).

بی‌شک یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده‌ی کیفیت زندگی زناشویی، سن ازدواج می‌باشد (آلن دورف^۵، ۲۰۱۲). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که ازدواج در نوجوانی، با احتمال بیشتری به طلاق منجر می‌شود. از سوی دیگر، برخی دانشمندان معتقدند که ازدواج، مانند رشد انسان است که اگر به تأخیر بیفتد، همانند انسان در دوره‌ی کهن سالی، ضعف‌هایی به همراه خواهد آورد که کیفیت زندگی زناشویی را دچار اختلال می‌کند (وایت^۶، ۲۰۰۹).

ازدواج در نوجوانی با عواملی مرتبط است که در کیفیت و پایایی زندگی زناشویی بسیار مؤثرند. این عوامل عبارت‌اند از: ناراضی بودن از پدر و مادر، ضعف‌های اجتماعی و اقتصادی، موفقیت‌های تحصیلی پایین، تجربه و پختگی کمتر، جستجوی بسیار کوتاه‌مدت و موارد دیگر. دانشمندان علوم اجتماعی معتقدند افرادی که در نوجوانی ازدواج می‌کنند، به لحاظ مالی، روان‌شناختی و آموزشی، از سطح پایین‌ترین برخوردارند و آمادگی کمتری

-
1. Anderson
 2. Chatav
 3. Tewary
 4. Amato, Booth, Johnson, Rogers
 5. Allendorf
 6. Waite

برای پذیرش نقش مادری دارند (لامانا، ریدمن و ریدمن^۱، ۲۰۰۶؛ آمتو و همکاران، ۲۰۰۸)، همچنین از قابلیت‌های لازم برای ایفای نقش همسری بی‌بهره‌اند (جدیری و همکاران، ۱۳۸۸). از سوی دیگر ازدواج در دوره جوانی اول که همگام با اتمام تحصیلات، گذر از دوره طوفانی نوجوانی و ثبات فکری و عاطفی است موجب انعطاف‌پذیری، گذشت و نشاط روحی، به همراه توقعات پایین‌تر، آسیب‌پذیری کمتر، سازگاری بیشتر با همسر و درنهایت، آرامش به همراه خواهد داشت (بانکی پور فرد و همکاران، ۱۳۹۰). از طرفی هم باید مدنظر داشت که ازدواج در دوره جوانی دوم موجب می‌شود که فرد نتواند از لحاظ احساس عاطفه، مثل یک جوان عشق، علاقه و شور و شغف را به همسر خود القا کند و اصولاً با مسائل، به‌صورت منطقی و به دور از احساس و بی‌روح برخورد می‌نماید که برای همسر، عامل نگران‌کننده و ناخوشایندی است و موجب جدال و درگیری می‌شود چرا که با افزایش سن، عموماً از جنبه‌های احساسی و عاطفی افراد کاسته شده و جنبه‌های عقلانی به معنای محاسبه‌گرایی، شدت می‌یابد و از سوی دیگر هم؛ با افزایش سن، شخصیت افراد هرچه بیشتر قوام‌یافته و انعطاف‌پذیری آنکه لازمه سازش و سازگاری زن و شوهر می‌باشد - کاهش می‌یابد (غیائی، معین و روستا، ۱۳۸۹؛ جنادله و رهنما، ۱۳۸۹).

بررسی آمار سن ازدواج در ایران، نشان‌دهنده افزایش میانگین سن ازدواج، خصوصاً در زنان می‌باشد. بنا به گزارش سازمان ثبت‌احوال کشور، در سال ۱۳۴۵ میانگین سنی ازدواج دختران ۱۸ سال و ۴ ماه بوده که این رقم در سال ۱۳۹۰ به ۲۲ سال و ۱۰ ماه رسیده است. (و حتی در سال ۱۳۹۰، شاهد ازدواج زنان استان تهران، با میانگین سنی ۲۴/۱۰ بوده‌ایم). افزایش سن ازدواج در ایران بر اهمیت پژوهش در این حوزه می‌افزاید و پژوهش حاضر را در قلمرو پژوهش‌های کاربردی وارد می‌سازد.

علاوه بر مسئله افزایش سن ازدواج، تغییر ملموس دیگر در نظام خانواده، کاهش ازدواج‌های ترتیب یافته و افزایش آزادی در انتخاب همسر است؛ که بخش عمده آن ناشی از مرحله گذار از سنت به مدرنیته است (بانکی پور فرد و همکاران، ۱۳۹۰). با گسترش ویژگی‌های ساختاری مدرنیسمون همچون شهرنشینی، صنعتی شدن، گسترش تحصیلات، تحریک جغرافیایی و مهاجرت و همچنین گسترش ارزش‌های مدرن همچون فردگرایی، استقلال و خودمختاری افراد، الگوی جدید همسرگزینی - که مبتنی بر ترجیحات و علایق

فردی است - گسترش وسیعی یافته است. زیرا که این عوامل، فرصت آشنایی با شبکه گسترده‌ای از افراد غیر هم‌جنس را فراهم ساخته و دامنه انتخاب وسیع‌تری برای انتخاب همسر، فراهم می‌سازد و از طرفی فرصت کنترل و نظارت خانواده را محدود می‌سازد (جنادله و رهنما، ۱۳۸۹) تحقیقات نشان می‌دهد که تقریباً دو سوم از دختران و پسران مجرد، دوست دارند همسرشان را خود به‌طور مستقیم، از روی عشق و علاقه انتخاب کنند هرچند که با افزایش سن، آن‌ها بیشتر به نظر خانواده در همسرگزینی اهمیت می‌دهند. (بانکی پور فرد و همکاران، ۱۳۹۰، جنادله و رهنما، ۱۳۸۹).

بررسی دقیق پیشینه پژوهشی نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر، تأثیر سبک همسرگزینی بر متغیرهای متعددی نظیر سازگاری زناشویی و رضایت زناشویی صورت پذیرفته است. به‌عنوان مثال مطالعه‌ی مظاهری و همکاران، نشان داد که ازدواج‌هایی که با رضایت خود و موافقت خانواده صورت می‌گیرد، هم در سال‌های اولیه ازدواج و هم در درازمدت، با سازگاری زناشویی بیشتری همراه است، ولی ازدواج‌هایی که با وجود مخالفت خانواده، از روی عشق صورت می‌گیرد، گرچه در اوایل ازدواج، از سازگاری بالایی برخوردار است، ولی پس از گذشت سال‌های اولیه ازدواج، افت می‌کند. (مظاهری و همکاران، ۱۳۸۸). نکته قابل توجه این است که تاکنون پژوهشی که مستقیماً تأثیر سبک‌های همسرگزینی را بر کیفیت زندگی زناشویی مورد بررسی قرار داده باشد در ایران صورت نگرفته و بندرت در کشورهای دیگر دیده می‌شود.

افزون بر مسئله الگوهای مختلف همسرگزینی نکته حائز اهمیت دیگر که در ایران کمتر به آن توجه شده است تأثیر تفاوت سنی زوجین بر میزان کیفیت زندگی زناشویی می‌باشد. برخی از مؤلفان در حوزه خانواده و ازدواج، نزدیکی سن را یکی از بنیادی‌ترین عوامل برای پیوند زناشویی به حساب آورده‌اند. چون سن، از جنبه‌های روانی و فیزیولوژیکی، می‌تواند در ارتباطات زناشویی تأثیرگذار باشد و تفاوت زیاد آن می‌تواند در شادکامی زناشویی، تأثیرات سوئی به دنبال داشته باشد. فاصله سنی فاحش، احتمال آسیب به سلامت رابطه بین زوجین و فاصله عمیق اجتماعی را به همراه خواهد داشت. به عبارت دیگر، دو نفر، از دو نسل متفاوت خواهند بود و چون انتظارات و شیوه نگرش اشخاص، در سنین متفاوت فرق می‌کند، افرادی که دارای سن متفاوت هستند در فرهنگ و اندیشه ایشان نیز تفاوت وجود دارد. از این رو، تفاوت وسیع سنی، تفاوت‌های وسیع فرهنگی و جهان‌بینی را به همراه خواهد

آورد و بر بنای زوجیت و سعادت زناشویی، تأثیر خواهد گذاشت (جدیری و همکاران، ۱۳۸۸) تفاوت سنی زیاد به علت ایجاد فضای جسمانی، عاطفی و اجتماعی متفاوت برای هریک از زوجها، امکان مشارکت و نزدیکی عاطفی افراد به یکدیگر را محدود نموده و رضایت از ازدواج را کاهش می‌دهد (صیادپور، ۲۰۰۵) و نیز، موجب کاهش درک متقابل و تعامل کمتر شده، بین تقاضاها و پاداش، هماهنگی بسیار ضعیفی به وجود می‌آید و احساس زیان تقویت می‌شود (غیاشی، معین و روستا، ۱۳۸۹).

با بررسی پیشینه پژوهشی مرتبط با موضوع این پژوهش، نمایان می‌شود که در سال‌های اخیر، پژوهش‌های چندی پیرامون تغییرات سن ازدواج در عصر حاضر، سبک‌های همسرگزینی و کیفیت زناشویی (یا یکی از مؤلفه‌های آن نظیر: طلاق، سازگاری، رضایت و...)، به صورت منفرد و یا در ارتباط با سایر متغیرها، انجام شده است، اما تاکنون پژوهشی که مستقیماً در ارتباط با موضوع این پژوهش باشد، در جامعه ما، مشاهده نشد و بنابراین، با توجه به کمبود پژوهش‌های انجام شده در این زمینه و ناهمگنی نتایج پژوهش‌های مشابه و نیز اهمیت کیفیت روابط زناشویی - هم برای زوجها و خانواده‌ها و هم برای اجتماع - و متغیرهای پیش‌بینی کننده آن، ضرورت و اهمیت پژوهش حاضر، نمایان می‌شود. بنابراین با توجه به مطالب گفته شده هدف از پژوهش حاضر بررسی تأثیر سن ازدواج، سبک‌های همسرگزینی و تفاوت سنی زوجین بر کیفیت زندگی زناشویی زنان متأهل شهر تهران می‌باشد.

فرضیه‌های پژوهش:

۱. سن ازدواج بر کیفیت زندگی زناشویی تأثیر دارد.
۲. الگوی همسرگزینی بر کیفیت زندگی زناشویی تأثیر دارد.
۳. تفاوت سنی بین زوجین بر کیفیت زندگی زناشویی تأثیر دارد.

روش پژوهش

تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش گردآوری داده‌ها، توصیفی می‌باشد. طرح پژوهش علی مقایسه‌ای بوده و روش انجام تحقیق نیز به صورت پیمایشی می‌باشد که از مهم‌ترین مزایای آن قابلیت تعمیم نتایج است. جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر زنان تهرانی‌اند که ۴۰۰ نفر از آنها با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس غیر احتمالی و با

مراجعه به پارک‌های عمومی در سطح شهر تهران انتخاب شدند و به مقیاس کیفیت زناشویی، فرم تجدیدنظر شده (RDAS) و پرسش‌های مربوط به سبک‌های همسرگزینی و سن ازدواج پاسخ دادند. اعضای نمونه در دامنه سنی ۶۱-۱۹ سال و حداقل یک ازدواج (اعم از موفق یا ناموفق)، داشتند و حداقل، ۱ سال از زندگی مشترکشان می‌گذشت. از اعضا خواسته شد در صورتی که متارکه یا ازدواج مجدد داشته‌اند، ازدواج اولشان را در نظر بگیرند.

ابزارهای سنجش

الف: مقیاس کیفیت زناشویی، فرم تجدیدنظر شده (RDAS): این پرسشنامه، توسط باسبی، کران، لارسن و کریستنسن^۲ (۱۹۹۵)، ساخته شده است. فرم اصلی این مقیاس، ۳۲ سؤال دارد که توسط اسپاینر^۳ و بر اساس نظریه‌ی لیوایز^۴ و اسپاینر در مورد کیفیت زناشویی، ساخته شده است. برادبوری، فینچام و بیچ^۵ نیز پس از مطرح کردن نظریه‌ی خود در مورد کیفیت زناشویی، این پرسشنامه را به‌عنوان ابزاری مناسب برای ارزیابی کیفیت زناشویی، معرفی می‌کنند (یوسفی، ۱۳۹۰). تحلیل عامل تأییدی، ساختار عاملی پرسشنامه را در آمریکا تأیید کرده است و روایی آن را نشان داده است. پایایی پرسشنامه به شیوه‌ی آلفای کرونباخ، در مطالعه‌ی هولیست، کودی و میلر^۶ از ۰/۸۰ تا ۰/۹۰، گزارش شده است. در ایران، در پژوهشی که توسط یوسفی و همکاران (۱۳۹۰)، انجام شد، آلفای کرونباخ ۰/۹۱ محاسبه گردید. در پژوهش حاضر نیز، پایایی پرسشنامه، با ضریب آلفای کرونباخ، همان ۰/۹۱ به دست آمد. حساسیت این پرسشنامه ۷۴/۱۲ درصد و ویژگی‌های آن ۷۸/۴۷ درصد، برآورده شده است (یوسفی، ۱۳۹۰). این پرسشنامه ۱۴ سؤال، به‌صورت طیف ۶ تایی از ۰ تا ۵، نمره‌گذاری می‌شود؛ و مجموعاً، نمره‌ای بین ۸ الی ۷۴، به دست می‌آید. نقطه برش این پرسشنامه ۲/۸۴ برآورد شده است و نمرات بالاتر، نشان‌دهنده کیفیت زناشویی بالاتر است.

ب: پرسشنامه سبک‌های همسرگزینی: یک ابزار تک پرسشی با ۶ گزینه مختلف در مورد سبک‌های همسرگزینی، است که توسط مظاهری و همکاران (۱۳۸۸)، مطرح و مورد اجرا و پژوهش در جامعه ایران، قرار گرفت. آزمودنی‌ها با انتخاب یکی از گزینه‌های: «من

1. Revised Dyadic Adjustment Scale
2. Busby, Crane, Larson & Christensen
3. Spanier
4. Lewis
5. Beach
6. Hollist, Cody, Miller

تا قبل از ازدواج همسر را نمی‌شناختم، از طریق خواستگاری با او آشنا شدم و با رضایت خودم و موافقت خانواده با او ازدواج کردم»، «من تا قبل از ازدواج همسر را نمی‌شناختم، از طریق خواستگاری با او آشنا شدم و بدون اینکه واقعاً راضی باشم، به‌نوعی مجبور به ازدواج با او شدم»، «من با همسر قبل از ازدواج آشنا و مرتبط بودم، هر دو خواهان یکدیگر بودیم و با موافقت خانواده‌ها باهم ازدواج کردیم»، «من با همسر قبل از ازدواج، آشنا و مرتبط بودیم، هر دو شیفته و خواهان یکدیگر بودیم و علیرغم مخالفت خانواده یا خانواده‌ها ازدواج کردیم»، «اگرچه با همسر قبل از ازدواج آشنا و مرتبط بودم، اما قصد ازدواج با وی را نداشتم و درواقع به‌نوعی مجبور به ازدواج با وی شدم» و «ازدواج من با همسر به انتخاب خودم بود، ولی هدف من از آن ازدواج، رهایی از شرایط و وضعیت خانوادگی‌ام بود»، در یکی از این شش سبک ازدواج، طبقه‌بندی شدند.

یافته‌های پژوهش

در ادامه، سؤال‌های پژوهش به همراه تجزیه و تحلیل آن‌ها ارائه خواهد شد:

سؤال اول پژوهش: آیا سن ازدواج، بر کیفیت زندگی زناشویی تأثیر دارد؟

برای پاسخگویی به این سؤال، ابتدا آزمودنی‌ها بر اساس سن ازدواجشان در دو طبقه قرار داده شدند (این طبقه‌بندی بر اساس پیشینه پژوهشی - نظریه‌های روان‌شناسی رشد - صورت گرفت). افرادی که در نوجوانی یعنی ۲۰-۱۲ سالگی ازدواج کرده بودند، در طبقه اول و افرادی که در دوره بزرگ‌سالی اول (جوانی) یعنی ۴۰-۲۰ سالگی ازدواج کرده بودند، در طبقه دوم قرار داده شدند. برای آزمون فرضیه، از آزمون t مستقل استفاده شد.

جدول ۱. میانگین، فراوانی و انحراف معیار کیفیت زناشویی به تفکیک سن ازدواج

سن ازدواج	فراوانی	میانگین	انحراف معیار
نوجوانی	۱۸۴	۵۳/۶۸	۱۱/۹۷
بزرگ‌سالی ۱ (جوانی)	۲۱۶	۵۶/۶۶	۱۰/۵۶

جدول ۱ نشان‌دهنده میانگین، فراوانی و انحراف معیار کیفیت زناشویی به تفکیک سن ازدواج می‌باشد و همان‌گونه که این جدول نشان می‌دهد، زنانی که در نوجوانی (۲۰-۱۲ سال) ازدواج کرده‌اند، میانگین کیفیت زندگی زناشویی‌شان در مقایسه با زنانی که در جوانی (۴۰-۲۰ سال) ازدواج کرده‌اند، پایین‌تر می‌باشد.

جدول ۲. نتایج آزمون t مستقل

آزمون برای میانگین‌ها			آزمون لوین برای برابری واریانس‌ها		
اختلاف میانگین‌ها	سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار t	سطح معناداری	مقدار F
-۲/۹۷۵	۰/۰۰۹	۳۹۸	-۲/۶۴۰	۰/۱۳	۶/۲۱
-۲/۹۷۵	۰/۰۰۹	۳۶۸	-۲/۶۱۴		

جدول ۲، نتایج آزمون t مستقل را نشان می‌دهد. با توجه به سطح معنی‌داری داده‌شده در جدول ۲، در قسمت آزمون لوین که برابر با ۰/۱۳ می‌باشد و مقایسه آن با میزان خطای ۰/۰۵ و با اطمینان ۹۵ درصد، فرض برابری واریانس‌ها رد می‌شود. لذا جهت آزمون فرض برابری میانگین‌ها، باید سطر دوم از جدول فوق را تفسیر نماییم. با توجه به سطح معنی‌داری داده‌شده در جدول آزمون معنی‌داری، در بخش برابری میانگین‌ها که برابر با ۰/۰۰۹ می‌باشد و مقایسه آن با میزان خطای مجاز ۰/۰۵، با اطمینان ۰/۹۵، می‌توان گفت که فرض صفر رد می‌شود؛ یعنی بین میزان کیفیت زناشویی زنانی که در نوجوانی ازدواج کرده‌اند با کیفیت زناشویی زنانی که در جوانی ازدواج کرده‌اند، تفاوتی معنادار وجود دارد.

سؤال دوم: آیا الگوهای همسرگزینی بر کیفیت زندگی زناشویی زنان متأهل شهر تهران تأثیر دارد؟

در جدول ۱، میانگین نمرات کیفیت زناشویی در سبک‌های مختلف همسرگزینی و نتایج تحلیل واریانس مقایسه میانگین نمرات، گزارش شده است.

جدول ۳. تعداد آزمودنی‌ها، میانگین و انحراف استاندارد نمرات کیفیت زناشویی در سبک‌های مختلف الگوهای همسرگزینی، کیفیت زناشویی و نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه آن

فرآوانی	میانگین کیفیت زناشویی	انحراف استاندارد	درجه آزادی	F	سطح معناداری
خواستگاری و ازدواج با رضایت خود و خانواده	۱۹۸	۵۶/۳۹	۱۰/۰۰	۵	۰/۰۰۱
خواستگاری و ازدواج اجباری	۲۸	۳۹/۹۶	۱۵/۲۴	۳۹۴	۲۱/۲۰

۸/۲۰	۵۸/۵۲	۱۳۸	آشنایی و ازدواج با موافقت خانواده‌ها
۶/۵۸	۵۵/۳۸	۱۳	شیفتگی و ازدواج علی‌رغم مخالفت خانواده‌ها
۱۵/۵۳	۴۷/۲۸	۱۴	آشنایی و ازدواج اجباری
۱۳/۲۰	۴۱/۶۱	۹	ازدواج با انتخاب خود ولی برای فرار از خانه

همانطور که در جدول فوق، دیده می‌شود، میانگین نمرات کیفیت زناشویی در سبک همسرگزینی آشنایی و ازدواج با موافقت خانواده‌ها نسبت به سایر سبک‌ها، بالاتر بوده و پس از آن، سبک خواستگاری و ازدواج با رضایت خود و خانواده، بالاترین میانگین کیفیت زناشویی را، به خود اختصاص داده است. بین میانگین کیفیت زندگی زناشویی در سبک‌های مختلف تفاوت وجود دارد که این تفاوت معنادار است ($P < 0/001$).

به منظور مقایسه دو به دو میانگین‌ها، از آزمون‌های تعقیبی استفاده شد. به دلیل یکسان بودن واریانس گروه‌ها در این طرح، از آزمون تعقیبی توکی استفاده شد که نتایج نشان داد تفاوت نمرات کیفیت زناشویی آزمودنی‌های سبک خواستگاری و ازدواج با رضایت خود و خانواده، با سبک‌های خواستگاری و ازدواج اجباری ($P < 0/001$)، آشنایی و ازدواج اجباری ($P < 0/01$) و ازدواج با انتخاب خود ولی برای فرار از خانه ($P < 0/001$)، از نظر آماری معنادار است.

همچنین تفاوت نمرات کیفیت زناشویی آزمودنی‌های سبک خواستگاری و ازدواج اجباری، با سبک‌های آشنایی و ازدواج با موافقت خانواده‌ها ($P < 0/001$) و شیفتگی و ازدواج علی‌رغم مخالفت خانواده‌ها ($P < 0/001$)، از نظر آماری معنادار شد.

علاوه بر این، تفاوت نمرات کیفیت زناشویی آزمودنی‌های سبک آشنایی و ازدواج با موافقت خانواده‌ها، با سبک‌های آشنایی و ازدواج اجباری ($P < 0/001$) و ازدواج با انتخاب خود ولی برای فرار از خانه ($P < 0/001$)، معنادار تشخیص داده شد.

در پایان، تفاوت نمرات کیفیت زناشویی آزمودنی‌های سبک شیفتگی و ازدواج علی‌رغم مخالفت خانواده‌ها، با سبک ازدواج با انتخاب خود ولی برای فرار از خانه ($P < 0/022$)، از نظر آماری معنادار شد.

سؤال سوم پژوهش: آیا تفاوت سنی زوج‌ها (بزرگ‌تر بودن سنی مرد، بزرگ‌تر بودن سنی زن و یا هم‌سن بودن)، تأثیری بر کیفیت زندگی زناشویی دارد؟
جدول ۳، میانگین و انحراف معیار میزان کیفیت زناشویی، در کل گروه نمونه را با توجه به بزرگ‌تر بودن سنی مرد، زن و هم‌سنی آنها نشان می‌دهد.

جدول ۴، آماره‌های توصیفی کیفیت زناشویی با توجه به بزرگ‌تر یا هم‌سن بودن زن و مرد

بزرگ‌تر یا هم‌سن بودن زن و مرد	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد
بزرگ‌تر بودن زن	۳۲	۵۷/۲۵	۹/۴۲
هم‌سن بودن	۳۲	۵۷/۸۷	۸/۵۲
بزرگ‌تر بودن مرد	۲۳۶	۵۴/۸۶	۱۱/۶۸

آن‌گونه که جدول ۳ نشان می‌دهد، بین میانگین‌های کیفیت زناشویی تفاوت‌هایی دیده می‌شود. برای بررسی معناداری این تفاوت، از تحلیل واریانس یک‌راهه استفاده شد. نتایج در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۵. خلاصه نتایج تحلیل واریانس یک‌راهه

منبع واریانس	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
بین گروهی	۳۹۸/۳۵	۲	۱۹۹/۱۷۷	۱/۵۵۹	۰/۲۱
درون گروهی	۵۰۷۲۷/۶۵	۳۹۷	۱۲۷/۷۷۷		
کل	۵۱۱۲۶/۰۰	۳۹۹			

نتیجه‌ی تحلیل واریانس در جدول ۴، نشان می‌دهد که متغیر مستقل یعنی بزرگ‌تر یا هم‌سن بودن زن یا مرد، تأثیری معنادار بر میزان کیفیت زناشویی ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج حاصله از بررسی‌های صورت گرفته بر روی داده‌ها، فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر تبیین شده است:

فرضیه اول: سن ازدواج، بر کیفیت زندگی زناشویی تأثیر دارد.

همان‌گونه که ذکر شد، این فرضیه با اطمینان ۰/۹۹ تأیید می‌شود ($P < ۰/۰۱$). به این مفهوم که، زنانی که در سن کمتر از ۲۰ سالگی، ازدواج کرده‌اند، به طور معنی‌داری، از زنانی که در سن بالای ۲۰ سالگی ازدواج کرده‌اند، از کیفیت زناشویی پایین‌تری برخوردارند. به نظر می‌رسد دخترانی که در جوانی ازدواج می‌کنند از رشدی شناختی - عاطفی - ارتباطی

بیشتری برخوردارند و بر اساس معیارهای صحیح‌تری انتخاب همسر می‌کنند. پرواضح که این عوامل موجب می‌شود این دختران از کیفیت زناشویی بیشتری در مقایسه با دخترانی که در نوجوانی ازدواج می‌کنند دارا باشند. این یافته، با نتایج پژوهش غیائی و همکاران (۱۳۸۹)، همخوان و همسو بوده و با نتایج پژوهش سفیری و محرمی (۱۳۸۸)، ناهمخوان است.

فرضیه دوم: الگوهای همسرگزینی، بر کیفیت زناشویی تأثیر دارد: این فرضیه، تأیید می‌شود و می‌توان گفت که میانگین کیفیت زناشویی در سبک ۱، با میانگین کیفیت زناشویی در سبک‌های ۲، ۵ و ۶، تفاوت معنی‌داری دارد. به این مفهوم که، میانگین کیفیت زناشویی در سبک «خواستگاری و ازدواج با رضایت خود و خانواده» از سبک‌های «خواستگاری و ازدواج اجباری»، «آشنایی و ازدواج اجباری» و «ازدواج با انتخاب خود ولی برای فرار از خانه»، بیشتر است. به نظر می‌رسد رضایت و علاقه فرد عاملی مهم در ازدواج است و نقشی عمده در کیفیت زندگی زناشویی بازی می‌کند در سبک‌های ۲، ۵ و ۶ رضایت و علاقه فرد دخیل نیست. پرواضح است که این عامل موجب می‌شود زنانی که با این الگوها همسرگزینی کرده‌اند کیفیت زناشویی کمتری داشته باشند.

همچنین، تفاوت میانگین کیفیت زناشویی در سبک ۲، با سبک‌های ۳ و ۴، معنی‌دار است. به این مفهوم که، میانگین کیفیت زناشویی در سبک‌های «آشنایی و ازدواج با موافقت خانواده‌ها» و «شیفتگی و ازدواج علی‌رغم مخالفت خانواده‌ها»، بیشتر از سبک «خواستگاری و ازدواج اجباری»، است. زمانی که فرد بر اساس اجبار ازدواج می‌کند به این معنی است که ارزش‌ها، ترجیحات و ملاک‌های او از همسر ایده آل نادیده گرفته شده است. زمانی که فرد بدون توجه به این موارد وارد زندگی زناشویی می‌شود پرواضح است که در کیفیت زندگی زناشویی دچار مشکل می‌شود.

علاوه بر این، تفاوت میانگین کیفیت زناشویی در سبک ۳، با سبک ۵ و ۶، معنی‌دار است. به این مفهوم که، میانگین کیفیت زناشویی در سبک «آشنایی و ازدواج با موافقت خانواده‌ها»، از سبک‌های «آشنایی و ازدواج اجباری» و «ازدواج با انتخاب خود ولی برای فرار از خانه»، بالاتر است. زمانی که فرد برای فرار از خانه ازدواج می‌کند دارای وضعیت خانوادگی نا به سامان می‌باشد این افراد دارای سبک دلبستگی ناایمن هستند و نمی‌توانند به کسی اعتماد کنند این عامل موجب می‌شود که این زنان کیفیت زندگی زناشویی کمتری در مقایسه با دیگر سبک‌های انتخاب همسر داشته باشند.

در پایان اینکه، تفاوت میانگین کیفیت زناشویی در سبک ۴، با ۶، معنی دار است. به این مفهوم که میانگین کیفیت زناشویی در سبک «شیفتگی و ازدواج علی‌رغم مخالفت خانواده‌ها»، بیشتر از سبک «ازدواج با انتخاب خود ولی برای فرار از خانه» می‌باشد. همان‌گونه که گفته شد دخترانی که ازدواج می‌کنند تا از خانه هود فرار کنند دچار فرایند تصمیم‌گیری تحریف‌شده ای می‌باشند آن‌ها بدون در نظر گرفتن هیچ ملاکی و تنها برای گریز از خانه ازدواج می‌کنند این مطلب موجی می‌شود که آن‌ها کیفیت زندگی زناشویی کمتری داشته باشند.

این یافته‌ها، با نتایج پژوهش‌های مظاهری و همکاران (۱۳۸۸)، سفیری و محرمی (۱۳۸۸) و مظلوم خراسانی و قناد (۱۳۸۵)، همخوان و همسو، می‌باشد.

فرضیه سوم: تفاوت سنی زوجین (بزرگ‌تر بودن زن / کوچک‌تر بودن زن و هم‌سن بودن)، بر کیفیت زناشویی تأثیر دارد.

این فرضیه رد شده و فرض صفر، تأیید می‌گردد ($P > 0/05$). به این مفهوم که بین تفاوت سنی (بزرگ‌تر بودن زن، کوچک‌تر بودن زن و هم‌سن بودن آن‌ها) تأثیری بر کیفیت زندگی زناشویی ندارد. از آنجایی که دختران زودتر از پسران به بلوغ جسمی می‌رسند و به تبع آن جامعه از آن‌ها انتظار رفتارهای بزرگ سالانه‌ی بیشتری دارد؛ این امر موجب شده که آن‌ها فراتر از سن تقویمی‌شان به رشد شناختی برسند پرواضح است که این مطلب موجب می‌شود تفاوت سنی تأثیر کم‌رنگ‌تری بر میزان کیفیت زناشویی بگذارد. این یافته، همخوان با نتایج پژوهش‌های سفیری و محرمی (۱۳۸۸)؛ و گروت و ون دن برینک^۱ (۲۰۰۲)؛ و ناهمخوان با نتایج پژوهش‌های غیاثی و همکاران (۱۳۸۹)؛ جدیری و همکاران (۱۳۸۸)؛ بوت و ادوارد^۲ (۱۹۹۲)، هیتون^۳ (۲۰۰۲)، کراپلین^۴ و همکاران (۲۰۱۰) بوماسپ و سویپ^۵ (۱۹۷۲) می‌باشد. محدود بودن جامعه‌ی آماری به شهر تهران و یک مقطع زمانی از جمله محدودیت‌هایی هستند که هنگام تعمیم دهی نتایج باید مورد توجه قرار گیرند. نتایج این پژوهش می‌تواند به تعدادی از سؤال‌ها و ابهامات جوانان پاسخ داده و به آن‌ها کمک کند تا در مورد ازدواج و

-
1. Groot & Van Den Brink
 2. Booth & Edwards
 3. Heaton
 4. Krippen
 5. Bumpass&Sweet

زندگی آیندشان تصمیمی مناسب اتخاذ کنند. همچنین این پژوهش می‌تواند به مشاوران خانواده کمک شایانی کند. از نتایج این پژوهش، می‌توان در راهنمایی و مشاوره‌های قبل از ازدواج در مراکز مشاوره، مدارس، دانشگاه‌ها، خانه‌های سلامت، رسانه‌ها استفاده کرد. همچنین می‌توان از این پژوهش برای آگاه‌سازی نوجوانان و جوانان در شرف ازدواج و خانواده‌های آن‌ها، استفاده نمود.

منابع

- ای. برک، لورا. (۱۳۹۱). *روان‌شناسی رشد (از کودکی تا نوجوانی)*. سید محمدی، یحیی. تهران: ارسباران. (تاریخ انتشار به زبان اصلی ندارد).
- باقری، افسانه. (۱۳۸۳). رابطه کیفیت زناشویی با موقعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی خانواده. *فصلنامه خانواده و پژوهش*، ۱، ۸۰-۵۷.
- جنادله، علی و رهنما، مریم. (۱۳۸۹). خانواده متعارف ایرانی: تحولات نسلی و چالش‌های پیش رو (براساس تحلیل ثانویه داده‌های ملی). *مجموعه مقالات همایش آینده پژوهی مسائل خانواده در ایران* (جلد اول) (صص ۳۰۵-۲۵۷). تهران: انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک (معاونت پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی).
- حبیب پورگتایی، کرم و غفاری، غلامرضا. (۱۳۹۰). علل افزایش سن ازدواج دختران. *فصلنامه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، ۱، ۳۴-۷.
- حسینی سده، مجتبی و فتحی آشتیانی، علی. (۱۳۸۸). بررسی نقش هوش هیجانی و مولفه‌های آن در رضایتمندی زناشویی و مقایسه آن با متغیرهای جمعیت شناختی. *فصلنامه روان‌شناسی و دین*، ۲، ۱۳۰-۱۰۵.
- خجسته‌مهر، رضا، فرامرزی، سحر و رجیبی، غلامرضا. (۱۳۹۱). بررسی نقش ادراک انصاف بر کیفیت زناشویی. *فصلنامه مطالعات روان‌شناختی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهراء (س)*، ۱، ۳۱.
- راستگو، ناهید؛ گلزاری، محمود و براتی سده، فریده. (۱۳۹۳). اثربخشی افزایش دانش جنسی بر رضایت زناشویی زنان متأهل. *فصلنامه مطالعات روان‌شناسی بالینی*. شماره ۵، شماره ۱۷، زمستان ۱۳۹۳، صفحه ۳۵-۴۸.

- رجبی، عباس. (۱۳۸۶). سن ازدواج، عوامل افزایش و راهبردهای کاهش آن. فصلنامه معرفت، ۱۲، ۱۴۳.
- رحمانی، اعظم، مرقائی خویی، عفت السادات، صادقی، نجس و الله قلی، لیلا. (۱۳۹۰). ارتباط رضایت جنسی و رضایت از زندگی زناشویی. فصلنامه مرکز تحقیقات مراقبتهای پرستاری دانشگاه علوم پزشکی تهران (نشریه پرستاری ایران)، ۷۰، ۸۸-۸۲. روشن، رسول؛ علینقی، علیرضا و طاوولی، آزاده. (۱۳۸۹). بررسی اثربخشی زوج درمانی بر خودنظم بخشی بر کاهش تعارض زناشویی. فصلنامه مطالعات روانشناسی بالینی. شماره ۱، زمستان ۱۳۸۹، صفحه ۳۵-۴۸.
- سفیری، خدیجه، محرمی، معصومه. (۱۳۸۸). بررسی پیوند ناهمسان همسری فرهنگی با میزان اختلافات زناشویی. فصلنامه مطالعات اجتماعی روان شناختی زنان، ۳، ۵۱-۳۱.
- شادابی، نازنین. (۱۳۹۰). اثربخشی آموزش تصویرسازی ارتباطی بر دلزدگی زناشویی زنان. پایان نامه کارشناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- شاه سیاه، مرضیه، بهرامی، فاطمه، محبی، سیامک و تبراوی، یاسر. ۱۳۹۰. همبستگی بین بهزیستی ذهنی با کیفیت زندگی زناشویی زوجین. مجله دانشگاه علوم پزشکی قم، ۴، ۶۷-۶۱.
- شاه مرادی، سمیه، فاتحی زاده، مریم و احمدی، احمد. (۱۳۹۰). پیش‌بینی تعارض زناشویی از طریق ویژگی‌های شخصیتی، روانی و جمعیت شناختی زوجها. فصلنامه دانش و پژوهش در روان شناسی کاربردی، ۱، ۴۴-۳۳.
- شاهواری، زهرا، قلی زاده، لیلا و محمدحسینی، سیما. (۱۳۸۸). تعیین برخی عوامل مرتبط با رضایت جنسی در زنان شهر گچساران. فصلنامه علمی دانشگاه علوم پزشکی گرگان، ۴، ۵۶-۵۱.
- صادق مقدم، لیلا، عسگری، فریبا، مغروضی، پرویز، الله شمس، هدایت و طهماسبی، سیمین. (۱۳۸۵). رضایت از زندگی زناشویی در زنان شاغل و خانه‌دار و همسران آنها در شهر گناباد. افق دانش، مجله دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی گناباد، ۲، ۴۵-۵۰.
- صفورایی پاریزی، محمد مهدی. (۱۳۸۹). انتخاب همسر مطلوب و نقش آن در کارآمدی خانواده، فصلنامه طهورا، ۷، ۸۷-۷۱.

صیادپور، زهره. (۲۰۰۵). ازدواج موفق: بررسی رضایت از ازدواج در دانشجویان. *Iranian psychologists*، ۲، ۱۹۸-۱۴۵.

غضنفری، فیروزه. (۱۳۸۹). عوامل موثر بر خشونت علیه زنان در استان لرستان. *فصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی لرستان*، ۲، ۱۱-۵.

غلامعلیان، فهیمه، احمدی، احمد و باغبان، ایران. (۱۳۸۷). کیفیت زندگی زناشویی. *فصلنامه تازه‌های روان‌درمانی*. ۴۹ و ۵۰، ۷۳-۵۹.

غیاثی، پروین، معین، لادن و روستا، لهراسب. (۱۳۸۹). بررسی علل اجتماعی گرایش به طلاق در بین زنان مراجعه کننده به دادگاه خانواده شیراز. *فصلنامه زن و جامعه*، ۳، ۱۴-۷۷.

کاظمی پور، شهلا. (۱۳۸۳). تحول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی موثر بر آن. *فصلنامه پژوهش زنان*، ۳، ۱۲۴-۱۰۳.

محبوبی منش، حسین. (۱۳۸۳). تغییرات اجتماعی ازدواج. *فصلنامه مطالعات راهبردی زنان*، ۲۶، ۲۰۵-۱۷۲.

مشکی، مهدی، شاه قاسمی، زهره، دلشاد نوقابی، علی و مسلم، علی‌رضا. (۱۳۸۹). بررسی وضعیت و عوامل مرتبط با طلاق از دیدگاه زوجین مطلقه‌ی شهرستان گناباد در سالهای ۸۸-۱۳۸۷. *افتق دانش؛ فصلنامه دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی گناباد*، ۱، ۴۵-۳۵.

مظاهری، علی، صادقی، منصوره السادات، نصرآبادی، ام لیلی، انصار نژاد، فاطمه و عباسی، مریم. (۱۳۸۸). رابطه سبکهای همسرگزینی با کیفیت و پایداری ازدواج. *فصلنامه راهبرد فرهنگ*، ۵، ۵۵.

مظلوم خراسانی، محمد و قتاد، مهدی. (۱۳۸۵). بررسی علل و انگیزه‌های موثر بر ازدواج افراد ۲۵-۴۵ سال شهر بیرجند و رابطه آن با میزان رضایت از زندگی زناشویی در سال ۸۵. *فصلنامه علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۱، ۱۷۴-۱۴۳.

منوچهری، مینا. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر آموزش بازسازی شناختی به روش عقلانی، عاطفی، رفتاری بر دلدزدگی زناشویی زنان شهرستان نجف آباد. پایان نامه کارشناسی، دانشگاه علامه طباطبائی.

میرسندسی، محمد و محمدی قلعه سفیدی، مصطفی. (۱۳۹۰). بررسی رابطه تحصیلات زنان با افزایش سن ازدواج آنها و راهکارهای پیشگیری از آن با تأکید بر رویکرد اسلامی. فصلنامه فرهنگی - دفاعی زنان و خانواده، ۱۷، ۱۷۹-۲۰۴.

نیک منش و کاظمی. (۱۳۸۵). علل و راه‌حلهای تاخیر در ازدواج جوانان. فصلنامه مطالعات روان‌شناسی تربیتی، ۵، ۷۷.

یوسفی، ناصر. (۱۳۹۰). بررسی شاخص‌های روان‌سنجی مقیاس کیفیت زناشویی، فرم تجدیدنظر شده (RDAS). فصلنامه پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره، ۱(۲)، ۱۸۳-۲۰۰.

هزار جریبی، جعفر و آستین فشان، پروانه. ۱۳۸۸. بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی موثر بر میانگین سن ازدواج زنان در سه دهه گذشته «۸۵-۵۵». فصلنامه علمی - پژوهشی برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۵۱، ۱۳-۳۲.

- Allendorf, K. & Ghimire, D. J. (2013). Determinants of marital quality in an arranged marriage society. *Social science research*, 42(1), 59-70.
- Amato, P R., Booth, A., Johnson, D R. & Rogers, S J. (2008). *Alone Together: How Marriage in America Is Changing*, Massachusetts, Harvard University Press publication.
- Anderson, J. R. (2007). *Developmental trajectories in lower-quality marriages: Predictors and outcomes*. ProQuest.
- Booth, A. & Edwards, J. N. (1992). Starting over: Why remarriages are more unstable. *Journal of Family Issues*, 13(2), 179-194.
- Brigman K. (2008). *Marriage: A Simple Guide to Success*, united state of america, catalog in publication.
- Bumpass, L. L. & Sweet, J. A. (1972). Differentials in marital instability: 1970. *American Sociological Review*, 37(6), 137-147.
- Carstensen, L. L., Gottman, J. M. & Levenson, R. W. (1995). Emotional behavior in long-term marriage. *Psychology and Aging*, 10, 140-149.
- Chatav, Y. (2007). *Relationship Cognitions and Marital Quality: An Evaluation of the Roles of Relationship Attributions, Partner Schemas, and Relationship Schemas*. ProQuest.
- Demyan, A. (2005). *Gender, gender role adherence, and self-esteem in long term mate selection preferences in college students* (Doctoral dissertation, Ohio University).
- Dohrenwend, B. P. (Ed). (1998). *Adversity, stress, and psychopathology*. Oxford University Press.
- Dolan, F. E. (2011). Re-reading Rape in The Changeling. *Journal for Early Modern Cultural Studies*, 11(1), 4-29.

- Goldman, M B. & Hatch, M C. (2000). *Women & Health*, Gulf Professional Publishing
- Gouin, J. (2009). marital quality and plasma levels of oxytocin and vasopressin, master's thesis, Graduate School of The Ohio State University
- Groot, W. & Van Den Brink, H. M. (2002). Age and education differences marriages and their effects on life satisfaction. *Journal of Happiness Studies*, 3, 153-165
- Heaton, T. B. (2002). Factors contributing to increasing marital stability in the United States. *Journal of Family Issues*, 23, 392-409.
- Kippen, R., Chapman, B. & Yu, P. (2010). *What's love got to do with it? Homogamy and dyadic approaches to understanding marital instability*.
- Lamanna, M. A. & Riedmann, A. (2005). *Marriages & Families: Making Choices in a Diverse Society: Making Choices and Facing Change*. Cengage Learning.
- Perry, B. J. (2004). *The relationship between equity and marital quality among Hispanics, African Americans and Caucasians* (Doctoral dissertation, The Ohio State University).
- Santrock, J.W. (2011). *Life-Span Development*, New York, McGraw-Hill
- Sharabany, R., Gershoni, R., & Hofman, d. E. (2012). Girl Friend, boyfriend: age and sex differences in intimate friendship. *Developmental psychology*, 17(6), 800-808.
- Smith, M. C. & DeFrates-Densch, N. (Eds). (2008). *Handbook of research on adult learning and development*. Routledge.
- Sholkamy, H. (2008). Encyclopedia of Women and Islamic Cultures, Volume 3: Family, Body, Sexuality, and Health (review). *Journal of Middle East Women's Studies*, 4(2), 108-111.
- Tewary, S. (2008). *Marital quality and self-efficacy: Influence on disease management among individuals with rheumatoid arthritis*. ProQuest.
- Troost, A. (2005). *Marriage in motion: a study on the social context and processes of marital satisfaction* (Vol. 10). Leuven University Press.
- Umberson, D., Williams, K., Powers, D. A., Liu, H., & Needham, B. (2006). You make me sick: Marital quality and health over the life course. *Journal of health and social behavior*, 47(1), 1-16.
- VanLaningham, J. Johnson, D. R. & Amato, P. (2001). Marital happiness, marital duration, and the U-shaped curve: Evidence from a five-wave panel study. *Social Forces*, 79(4), 1313-1341.
- Waite, L. J. (2009). *Marriage. Encyclopedia of the life course and human development*. Boston: Gale Cengage.